

ندای حق

شماره بیست و سوم سال ۴۴ - چهارشنبه ۱۶ آبان ۱۳۵۲
شمسی ۱۱ شوال ۱۳۹۳ قمری - شماره مسلسل ۱۲۰۴

هشدار آسمانی بمسلمانان

متوجه باشید لحظات سختی در پیش داریم

بسم الله الرحمن الرحيم - یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً وسیعوه بکره و اصیلاً - هو الذی یصلی علیکم ولعلکم تهتکون لیسر حکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رَحیمًا
ای اهل ایمان - خدا را بیشتر یاد آرید و او را مرتباً ذکر کنید ، صبح و شام و تسبیح و تثنای او بخوانید ، او است که با فرشتگان خود مرتباً بر شما رحمت و مایه سلامت و نجات میفرستد تا شما را از تاریکی بروشنایی هدایت فرماید - بمؤمنین مهر بیاورد ، تمارق و گفتار با مؤمنان در روزیکه بشرف دیدار خداوند مشرف میگردند سلام خدا و مژده رحمت او است ، خداوند برای آنها پاداش بزرگ آماده ساخته است .

درباره رؤیت هلال

ماه مبارک رمضان و عید سعید قربان

در دو شماره گذشته دو مقاله در باب رؤیت هلال در بلاد مسلمانی در این روزنامه به طبع رسیده و اینک در ذیل از نظریه دو مجتهد هالقدیر که در فواید احکام حضرت آیت الله آقای حاج میرزا خلیل کمره ای مقیم طهران و حضرت آیت الله خوئی مقیم نجف اشرف به نظر قارئین محترم مهرسد .

۱- یکی مسئله طلاق که در بعضی سوره (جمهوریت متحده عربی) معاکم ملاق را با آئین مذهب امامیه انجام میدهند چون قوت دلیل با آنها بوده و میباشد .

تجسم اعمال

این شرح بسخط خواجه نظام الملک نوشته شده (چون در آن ایام مخدو از معدرات المتقدر بالله را بجهت سلطان ملک شاه خطبه میکردند از مقام خلافت ابرش از مشرق تا به مغرب عالم سوزان روزی که باید عقد اجرا گردد سلطان به تمام قلمرو فرمانمائی خلیفه ابلاغ گردیدند از آنکه مودعین به بلاد مصر و روم و شام و ماوراءالنهر و فارس و عراقین و

امام (ع) در جواب عمران که پرسیده بود که (آیا خدا در خلق است و خلق در او) فرمود : آری آئینه را دیده ای ؟ تو در آینه ای آینه تو را ؟ مطلب اینست که همچو آینه در دیگری نیستید و حق همین است ، تو به وسيله خود را در آینه می بینی ؟ عمران - من توسط آن فروغی که بمن و آئینه است خود را می بینی .

هدایت بقرآن

روزی بر مردم زمانه بیاید که نهادشان ناپاک گردد ولی ظاهرشان از راه طمع در دنیا نیکو و آراسته شود ، بدینکار اجری که نزد خداوند است نمی خواهند ، دینشان ریامی شود ترس (عذاب و عقاب خداوند) آن را نمیگیرند ولی عقاب خداوندشان میگیرد ، سپس مانند غریق دعا میکنند و دعایشان مستجاب نمیشود - علم خود را بنویس و بین برادران مسلمان خود نشر ده و اگر مردی کتابهای خود را برای فرزندان خود بارث بگذارد زیرا زمانی بر مردم بیاید که هرج و مرج باشد و جز بکتابهای خودشان نمیتوانند انس بگیرند .
محمد رسول الله (ص)

دعوت از دولت‌مندان و ثروتمندان

در راه بذل مال و انفاق در راه خدا

دو شماره های گذشته برای تذکر و تهیه برادران دینی و خوانین محترمانه آیتی در باره کمک و مساعدت به مستمندان و در میانندگان نوشتم و چون می بینم که در این زمان مردمانی همانند و آبرودار در زحمت زندگی هستند و گرانای لوازم برای ادامه زندگی سردارند مثلاً کرایه سنگین بر آنها شاق است - مخارج لباس و یادآوری گردد ، باشد که برادران و

پیروزی با خدا پرستان

و شکست نصیب سنت شکنان خواهد شد

بعد از رحلت حضرت ختمی مرتبت (ص) باب وحی و تنزیل بسته شد و حوزه گسترش اسلام بایک موضع سابقه و برق آسانی توسعه یافت در سال ۱۴ هجری دمشق فتح شد و در سال ۱۷ شام و عراق از تصرف روم خارج گردید و تا سال ۵۶ هجری حدود ممالک اسلامی بوسمرقند رسید . در سال ۲۰ کشور مصر

آنچه شبهه ناکست در گذرو آنچه شبهه ناک نیست در گذر که راستی ما به نجات است .
محمد رسول الله

در دفاع از شر دشمنان

براه راست راهبری کردی ، ای پروردگار من ، ولی من بجای پیروی سر بهلوی و لب گذاشتم ، پندم دادی ولی من بجای اینکه اندرز بشنوم بر قساوت و شلالت افزودم . نیکویی کردی و من نیکویی های ترا به عصیان پاسخ گفتم و هنگامیکه ای خدای من بخود آدم و چشمان غفلت آلودم را کشودم خود را شناختم و از گذشته هایم پشیمان شدم و سر استغفار گفتم ، و نیز تو به ابرام پذیرفتی و در برابر استغفای من مغفرت و رحمت فرمودی .

عصر خشونت و فاجعه

با ظهور شریعت اسلام بهم ریخته شد

« اذا بشر احدکم بالانثی ظل وجهه مسوداً و هو کظیم یتوارى من النقم من سوء ما بشر به ايمسکه علی هون ام ینسه فی الثراب الاساء ما یحکمون . » (قرآن شریف - نحل - آیه ۶۱۰۶) .

هرگز بدنبال مطلبی که علم بان نداری مرو زیرا تمام اعضاء بدن از گوش و چشم و قلب و غیره هر عملی انجام دهند مشغول آن هستند - روی زمین با تکبر و ناز عبور کن ، تو موجود فوق العاده ای نیستی ، نه زمین را توانی شکافی و نه در ارتفاع و عظمت با کوه برابری میکنی ، این کارهای بدن زد خدای متعال پسندیده نیست .
آیات ۳۶ ۳۸ اسراء

مبارزه در راه خدا

اسلام بهر آن خردا از راه تکامل نفس بوطایقی تربیت نموده که سرعت آنها را بقریب حق برساند و از ظلمات جهل وضلالت و تیرگی مادیت برهاند و برخی از آن موداد بر نامه را جزء برنامه محسوب فرموده است از آن جمله (جهاد فی سبیل الله) است که مبارزه در راه خدا عبادت است . اکنون باید دید آیا همرازهای عبادت محسوب میشوند ؟ مسلماً این طور نیست زیرا بسیاری از افراد مبارزه میکنند در یک راهی که برخلاف رضای خدا میباشد . مبارزه در راه کفر ، در راه ضلالت ، در راه مادیت ، حرب در راه اغوی خلاق ، در راه تقویت کارهای شیطانی و انواع مختلفی که دارد این گو نه مبارزات از دید اسلام مورد قبول نیست اگر چه مبارزه است . مثلاً مبارزه در راه فروش اسلحه برای کشتن

حجاج محترم!

آیا میدانید کجا میر وید ؟!

سفر بیت الله الحرام و عملیات حج خانه خدا نزدیک شده و میگویند در حدود پنجاه هزار نفر امسال از ایران عازم عربستان سعودی هستند تا بزیرات کعبه و قبر حضرت رسول خدا موفق گردند - خوشبختانه شما زائران خانه حق و قبر

سفر بیت الله الحرام و عملیات حج خانه خدا نزدیک شده و میگویند در حدود پنجاه هزار نفر امسال از ایران عازم عربستان سعودی هستند تا بزیرات کعبه و قبر حضرت رسول خدا موفق گردند - خوشبختانه شما زائران خانه حق و قبر

امریه شاهانه

یکی از وقایع مهم این هفته صدور امریه شاهنشاهی آریامهر بوده که به محبت دولت مقرر فرموده اند که با هر گونه فساد اداری از قبولی پارتی بازی اشخاص و افراد ذی نفوذ اداری و دریافت کارهای بزرگ از قبولی اشخاصی - معامله کاری - شرکت های مختلفه دیگر که با دستهای ذی نفوذ و پارتی بازی فراهم میشود مبارزه

دنی را باهل آن واگذارید هر که از دنیا بپش از حاجت خود دفر ا گیرد هلاک خویش را گرفته است .
محمد رسول الله

دنی را باهل آن واگذارید هر که از دنیا بپش از حاجت خود دفر ا گیرد هلاک خویش را گرفته است .
محمد رسول الله

مبارزه در راه خدا

مردم یا مبارزه برای ساختن مواد منقحره برای آنها شهرهای انسان نشین یا ویرانی مسکن احشام و اغنام روی خصوصت با صاحبانش اینها مبارزاتی نیست که در دیوان محاسبات الهی مورد قبول باشد چه جای آنکه ثواب عبادت بان داده شود. بلکه این مبارزات کفر وضلالت و غوایت و گمراهی است که برای بشر کشی و ویرانی و خرابی و افساد دنیا بمنظور غلبه بکار برده میشود. این مبارزه کفر و شرک و جنایت و خبیانت است. آن مبارزه‌ای که ارزشمند و ارجمند و گرامی است مبارزه‌ایست که در راه صالح و اصلاح مفاسد امور اجتماعی بشر بکار برده شود و آن مبارزه عبادت است که با حضور پیغمبر و امام در راه اعتلای توحید و وحدت اسلامی باشد.

آیا اگر فردی یا جمعی سرمایه‌های نامشروع را در راه تأسیس کارخانه‌های اسلحه سازی بقصد مردم کشی و زهق و غارت اموال مردم و کشتن یک قوم را علیه قوم دیگر خدا بکار برند و در این راه مبارزه کنند و هر زمانی یک قوم را علیه قوم دیگر تیرکشان نمایند و آنها را بکشتن دهند و اموال آنان را بزارت و حمله و تیراندازی ببرند آیا این مبارزه بتبع شخصی یا جمعی علیه ناوودی ملت و قومی این مبارزه معدوم است. هرگز چنین نیست این مبارزه نیست این افوا و شیطنت تداوم و خدایت و مکر و خوسمت و آدمکشی است.

این تهاجمات شوم و فاسد، این تهاجمات خصومت انگیز، این جنایتهای خانمان بر انداز نظیر همان اعمال صر جاهلیت بود با این تفاوت که در آن روز و نفر باهم بمیدان مبارزه می آمدند و یکدیگر را هدف قرار میدادند. قاتل یا مقتول، مدعیان جنگ بودند مردم بیچاره بی دفاع گناهی نداشتند و مومن بودند اما امروز جنگ سلاح علمی و فنی و اتمی است که بی جهت نفوس بسیاری را فدای تمایل غلط افردی مینماید. هزاران هزار نفر را میکشد و صدها خانه ویران میسازد و هستی و نظام اجتماعی یک ملت را بباد فنا میدهد و نقشه کشان و طر احان جنگ با کشتن نفوس بی گناه و بردن اموال و هستی آنان خوشحال میشوند و سر زمینها را تصرف میکنند غافل از اینکه این زمینها مال خداوند است و بعمال مطیع آن تقدیر کفایت نمیدهد چهای بغاصین حقوق آنان.

اینها جنایتکاران بشر هستند که اسلام مبارزه علیه این طبقه را جهاد در راه خدا معرفی فرموده و اصلاح مفاسد اجتماعی بشر را عبادت شناخته است و لذا در قرآن تصریح فرموده است که لا تسفروا فی الارض بعد اصلاحها - نظام آفرینش با اصلاح اجتماعی است و فساد پس از اصلاح کفر و شرک است. این مقدمه برای این بود که بگوئیم جهاد در راه خدا برای امور است که مورد رضا و قبول خدا باشد و در راه شوال جنگهای احزاب و خندق از آن مبارزاتی است که علیه کفر و شرک و فساد و آدمکشی و قتل و تهاجم اموال برپا گردیدند. و در این جنگهای اسلام و کفر در راهی از تقویت اخلاق مسلمان آموخته شده است و درجهت ترین سطور تاریخ جنگهای اسلامی است این مبارزه علیه کفر و فساد اجتماعی است که بفتح و پیروزی مسلمان تمام شده است و تردیدی نیست که مبارزات دینی و جهاد در راه خدا که عبادت محسوب میشود مبارزاتی است که مفاسد اجتماعی را بمصالح اجتماعی تبدیل مینماید و از تعدی و اجحاف و قتل و غارت و زور گوئی و تجاوز بحدود و حقوق دیگران جلوگیری مینماید. اسلام هرگز متعدی نبوده و مسلمان هرگز تجاوز نکرده اند. آن دشمنان اسلام و یهود و نصاری هستند که در دنیا متجاوز و مکار شناخته شده اند و بدون تردید و شک روزی خواهد آمد اگرچه طولانی باشد که در آن روز ظفر پیروزی و رستگاری برای ملت طولانی بلکه ایبدی با دین اسلام دین حق و عدالت، دین مساوات و مساوات خواهد بود - این متعدیان خونخوار آدم کش را خدای بزرگ نابود خواهد ساخت و دست مفسدان و متعدیان بحدود و حقوق دیگران را کوتاه خواهد نمود. اگر این طور نباشد اسلام بر حق نخواهد بود ما معتقدیم که اسلام دین حق و عدالت است و هر روز زمان ثابت کرده که مسلمان بهترین امت جهان هستند و منصب (کنیم خیر امت) پرشانه آنها نصب شده.

اسلام و شیعه امامیه از نظر علم و اخلاق و فرهنگ و دانش بر تمام ملل جهان برتری دارد و کتب موجوده کتابخانه‌های جهان انسانیست این حقیقت را ثابت نموده است که علم و اخلاق و فضیلت و مومناست و مساوات مخصوص اسلام و مسلمان است و مبارزات علیه کفر و شرک بمنظور اصلاح مفاسد اجتماعی و قطع دست متعدیان بحق بشریت که امید است بفضل الهی خدای بزرگ برورش یافتگان مکتب حقه خود را بر ملل متعدی باطل فاتح گردانند و قلم دهد و برای همیشه خوار و ذلیل گرداند و از جنگهای اسلامی درس علم و ادب و فضیلت بگیرند و بسوی اخلاق و اصلاح بگریزند.

دوست بدارید

امام صادق (ع) فرمود: یک قسمت از دوستی این شخص آنست که برادران دینی خود را دوست دارد.

تجسم اعمال

را شکر کردم و صدقه هادادم. شب دیگر با زهمان واقعه را دیدم چنان مضطرب و پریشان شدم که اگر بیدارم نمیکردند از ترس جان داده بودم. دیگر باره مرا خواب در ربود باز هم در عالم خواب همان وضع و منظره تکرار شد و دیگر معنی از ترس دردم نمانده بود که دیدم طایفه خوش بوی و خوش روی، روحانی خصلت پیدا شدند و یکی یکی نزد من آمده امیر میگردند و می نشینند تا آن تمام مردم کربله المنظر رفتند و راحت و آسوده شدم.

من از این اشخاص تازه وارد پرسیدم که شما چه سنجیدید و آن طایفه کیان بودند.

گفتند آن طایفه اوصاف ذمیمه تو بودند و ما اوصاف اخلاقی حمیده توئیم. مغایرت با اوصاف مؤید خواهد بود و مؤانست ماخلد میباشد. حالاً اگر طایفه مجالست ایشان دارای مارا و اکاذر و اگر ذوق همنشینی ما داری ترک آنان گو، بالاخره از آن عوالم و خواب بیارلنت می- بردم و هرگز حالی در خود بهتر از آن ندیده بودم و در محفل کیف و خوشی از خواب بیدار شدم.

در باره رؤیت هلال

۲- رؤیت هلال برای معیضت صیام و عید قربان درجه که با فتوی مرجع شیعیه می توانند مسلمون بدینکروز و اجمعین مراسم عید بر بزرگان نمایند.

اینک از فتوای مراجع روز مسلمین دلیل وحدت بلاد را در راه رؤیت هلال در نامه ای که بین دو مرجع بزرگ شعی رویل شده.

و اینک نامه حضرت آیت الله آقای حاج میرزا خلیل کره ای بحضرت آیت الله خوئی در ترفیع اشرف.

حضور مبارک و مقدس حضرت آیت الله العظمی آقای خونی مدظله العالی. السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. پس از تهیه تجمیع مدارک فغیر محتلف میسومید اضحی در تادیب فتوی عالی که مراجع بزرگت هلال در دفتر واضحی بطور قاطع فرموده اید در هر یک دریده شود و برای بلاد دیگر کافی است حتی بلا بدیده و احواله بمستند الشیعه فرموده اید این نظریه ب تأیید میشود (و لا یخولوا الارض من قائله حججه) و خدا خواست که از بزرگت و فقیه وجود عالی تمام مسلمین امروز بوحضرت دیگر برستند هرگاه جماع اسلامی که در فکر چاره جوئی برای وحدت همه مسلمین هستند استفاده از این فتوی میکنند چنانکه دربرای مسائل دیگر از جمله تلافی در معرور سوره محاکم طریق نظریه شیعه طلاق را انجام میدهند و بموقیاست مستور دادند که آن در صومعه مستند الشیعه را از با سلو قه جدا میترسند و از جانب سنی اجواب سیر مراجع شیعه نظر نمیدانند آن ضمیمه شود و به جماع اسلامی که اهل طلب وحدت عید مسلمین هستند به تفرق و فرب پخش شود و این فتوی بزرگ از طرف عالم شیعه خواهد شد که رائد و قائم وحدت باشد.

البته با توضیح بیشتری خواه از نظر روایات و ادله و خواه از نظر اصول علمی هیئت نجوم اما روایات که (سم للرقیة) دلیل عمومیت بسیاری و صحیح و هشامه تفسیر میکنند و بمنزله حاکم و مفسر آن هستند پس تعارض ندارند و دلیل نداریم که رؤیت باید در همان بلد باشد رؤیت مطلق کافی است. و اما (انما علیک مشرقک و مغربک) درباره نماز مغرب و صبح است که امری است. بن جرم کره زمین باخوردید و با حرکت و یا حرکت ضمنی زمین هر شبانه روزی بکنوبه مکرر میشوند ولی اینجا مربوط است به دو جرم فلکی که فاصله از هم یابند و زمین و روز و شب آن بهر حال باشند آن محقق است. و از نظر اصول علمی و نجومی هیوی که باید فاصله بین ماه ازخوردید برای خروج از تحت الشعاع در طول ۱۲ درجه و در عرض شمالی و جنوبی ۸ درجه کرد تا رؤیت شود و بطبعاً با لایکه در شرف واقع هستند خورشید در آنها زودتر فروب میزند و فاصله ای واقع میشود تا غروب در بلاد غربی. پس ممکن است در فاصله ای که فرب بلاد مغرب فرامرسد ماه از تحت الشعاع خارج شود و در آن آفاق دیده شود و این تفاوت آفاق حتمی است و لکن وقتی تمید شارع بخواید همه مسلمین وحدت و جماعت را واجب باشد مانع ندارد که همین که فاصله این دو جرم فلکی بحدی زود رسد و خروج از تحت الشعاع رسد همه مسلمین در روی زمین از هم جدا میشوند. البته برای هر حالتی این کافی است ولی برای هر حالتی اثبات باید گوشه فکری که بلاد مغرب حتی مراکش باشد و غیر بنگرید و آماده باشد که به بلاد مشرق اطلاع بدهید و دستگام مختار برات مشرق و مغرب در آن موقع از شما دریافتند و این امر هر چند زحمت دارد اما قومه ایست که وقایع الهی است و چه خوب است که شیعه را مک و قائم آن باشد و بآی الله الان ایتم نوره انشاه اللهالی.

درختان برای هدیه محضر مبارک از کتاب اتق وحی - و آراء ائمه الشیعه فی الفلاد - و کتاب کتبه شیخ طوسی به کتابخانه مبارک که تقدیم میشود و تحیات فاقترار به پذیرید.

گوشه‌های از تاریخ اسلام

بخلوت و کناره گیری از مردم می گذشت و هر سال مدتی در کوه حرا بتهنایی بسر می برد تا آنکه در سن چهل سالگی (۶۱۰ میلادی) در ۲۷ ماه رجب یا ماه رمضان به مقام مقدس نبوت مبعوث گردید و پنج آیه از اول سوره مبارکه علق و بقولی تمام سوره فاتحه الکتاب برای اولین بار بوسیله جبرئیل برای او نازل شد.

به اجماع مسلمین پیش از همه کس خدیجه اورا بنبوت شناخت و به اتفاق شیعه امامیه و بسیاری از دانشمندان غیر شیعه پیش از همه مردان علی (ع) اسلام آورد.

متریزی در کتاب امتاع الاسماع می نویسد علی علیه السلام هرگز پخدا مشرک نبود تا بتوان میدمی برای اسلام و خدانشناسی او تعیین کرد. سپس زید بن حارثه و ابوبکر بن ابوقحافه و بلال بن رباح بن حنانه حبشی و ابودند جندب بن جناده غفاری و بوسله ابوبکر عثمان بن عفان اموی وزیرین عوام و طلحن بن عبیدالله تمیمی و عبدالرحمن بن عوف زهری و سعد بن ابی وقاص زهری اسلام آوردند. جعفر بن ابی طالب نیز در اوایل کار بدین اسلام درآمد بدین ترتیب که پیغمبر (ص) باعلی علیه السلام مشغول نماز بودند علی (ع) در طرف راست پیغمبر ایستاده پس ابوطالب بفرزند خود جعفر گفت توهم در طرف چپ پسر عمویت بایست و با او اقتدا کن و جعفر مشغول نمازش.

در سه سال اول بعثت گویا فقط سیزده نفر بدین اسلام درآمدند بعد از سه سال آیه (وانذر عشیرتک الاقریبین سوره شعرا ۲۱۴) نازل شد و پیغمبر (ص) چهار نفر فرزند زادگان عبدالملطبر را دعوت نمود پس از آنکه همه آنها غذا خوردند بیاخت و خطاب به آنان نمود:

ای فرزندان عبدالملطبر خدا مرا بر همه بشر عموماً و بر شما خصوصاً مبعوث گردانیده و بمن نازل کرده که (وانذر عشیرتک الاقریبین) و اکنون شما را بدو کلمه دعوت می کنم که بوسیله آندو بر عرب و عجم حکومت کنید و امتهای جهان فرمان شما را ببرند و داخل بهشت گردید و از عذاب دوزخ رهائی یابید: گواهی یتکانگی خدا و نبوت من.

سپس گفت کدامیک از شما از امروز در این راه نامور و بر محنت مرا یاری می کنید تا برادر دوسی و وزارت و وزیر و خلیفه من باشد. در سه روز این سخن تکرار شد و در هر سه نوبت علی برخواست و گفت من برای یاری و خدمت گزیرت آمادم و در مرتبه سوم پیغمبر (ص) در جواب علی گفت: بنشین که برادر دوسی و وزیر و وارث و جانشین من تویی، پس دعوت شدگان همگی برخاستند و باختم و ناراحتی از خانه حضرت بیرون رفتند. در نزول آیههای ۹۵ و ۹۶ (سوره حجر) دعوت پیغمبر (ص) علنی شد و شش پنج نفر از مستهزین پیغمبر (ص) را کفایت کرده و هر یک از آنها بسودنی به هلاکت رسیدند.

تقریباً در همین زمان ارقم بن ابیوقالرم بدین اسلام درآمد و رسول اکرم خانه او را مرکز تبلیغ اسلامی قرار داد و غالب روزها برای دعوت به آنجا می رفت.

قریش برای قانع کردن پیغمبر (ص) از هر راهی درآمدند، ثروت و سلطنت و دختران زیبا بدو پیشنهاد کردند ولی در هر دو وارد آن حضرت کمتر خللی وارد نشد پس قریش بستختی بر آشفند و بدبختی پیغمبر (ص) برخاستند در دین حال هنوز کاملاً از قانع کردن آن حضرت ناامید نگشته گاهی ابوطالب را واسطه قرار می دادند و گاهی بزرگان قریش خود با او تماس می گرفتند آخرین پاسخ آن حضرت به قریش این بود که:

اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من بیهید (مرا بر منظومه شمس حکومت دهید) دست از این دعوت بر نمیدارم بر اثر فشار و آزار دشمن که دیگر قابل تحمل نبود پیغمبر (ص) جمعی از پیروان خود را فرمود تا یک کشور مسیحی مذهب حبشه هجرت کنند.

آکهی حسرواغت
لذا مراتب سه نوبت ماهی یک من تبه
در روزنامه رسمی و محلی آکهی محمود
تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا
وصیت نامه ای از درگذشته نزد اشخاص
باشد طرف سه ماه از نشر اولین آکهی
۵۵۳۳ در تاریخ ۲۷/۷/۷۷ در گذشته
و نه وی عبارتند از درخواست کنند پس
و بانو بشناسنامه ۶۵ و موصوعه بشناسنامه
۴۵ و مریم بشناسنامه ۱ دختران که
نام خانوادگی آنها قوامی شیرازی میباشد
و حوا رفتی بشناسنامه ۵۲۶۶۱ همس
دانشی.

شماره ۱۲۱۷۲ / آلف
چاپ اتحاد
خیابان فردوسی کوچه طبس
تلفن ۳۰۴۷۳۲

حجاج محترم

منوعه نیاید باشد بنیت اینرا خدا و اتیان یک دستور واجب مذهبی است ، متوجه باشید بکجا میروید و برای چه میروید و نتیجتاً عاید شما از این مسافرت چیست ؟

چه بسیار دیده شده که مردمانی باین سفر رفته اند ، در زمانهای گذشته با مشکلاتی روبرو شده اند - مشقات زیادی متحمل گردیده اند ، پول فراوانی خرج کرده اند اما نفهمیده اند که چه کرده اند یعنی اعمال حج را نفهمیده و ندانسته و اجرا نموده اند مثلاً نماز شب طبق دستور نبوده - احرام شغلط بوده - طوافش ناتمام شده - صفا و مره را ناقص انجام داده - رمی جمرات را فراموش نموده یا تبدیلی کرده - قربانی را سرافه جوشی کرده پناه بر خدا حاجت نساء را پادش رفته که طبق دستور شرح زن بخانه اش خرده شده ولی با همه این احوال انتظار دارد اورا حاجی بنامند و اگر اسم او بدون ذکر (حاجی) برده شود عبوس میشود و جداً دلنگت میکند .

ای کسانی که عازم سفر حج هستید باش بکجا میروید و برای چه میروید ؟

عصر خشونت و فاجعه

مردی که خبر تولد دخترش را می شنید ، دنیا در برابر چشماتش تیره می شد و خود را از دیده مردم پنهان می کرد . خشمگین می شد ، اندوهناک میشد ، و آنگاه نوزاد خود را ، با نهایت بی اعتنائی و غضب در خاک مدفون می ساخت .

این تصویر یک واقعتی است دو هزار سال پیش در زمان حضرت زین العابدین علیه السلام . تصویر و حقیقتی که از اوهام و خرافات که نسل بشر آن روزها به بنا بودی رهنمون می ساخت . در آن زمان زنی که دختر میز آید ، ولادت اورا از دوستان و آشنایان خود مخفی می کرد چون وجود یک دختر در خانواده موجب تنگ و بدنامی بود !

دختر از نظر پدران و مادران و سایر افراد خانواده موجودی بی شخصیت و قابل تمسک بود و از خود هیچ گونه استقلالی نداشت . مانند اشیای جامه خرید و فروش می شد و پدر و مادر با خود خواهی تمام اورا در خاکهای گرم عربستان زنده به گور می کردند .

در بعضی از قبایل عرب دختران تازه زائیده شده را سر می بریدند ، بعضی ها کورگرا از ایالاتی قله کوه به پایتین پرتاب می کردند . بعضی دیگر دختر را در آب کتری می نمودند (۱) .

عموماً کشتن دختران اولاد ، ترس از بی چیزی و فقر بود . ثانیاً ؛ پرورش یک دختر جوان و تسلیم او به مرد اجنبی بنام شوهر از نظر اعراب با حیثیت و شرف و شجاعت مرد و خانواده او منافات داشت .

طلوع اسلام

اسلام طلوع کرد و نور تابناک خود را پسر زمین عربستان پاشید . تاریکی نور در برابر هر که قرار گرفتند و سرانجام مانند همیشه روشنائی بر تاریکی پیروز شد . پیامبر اسلام زنی را آزاد ساخت . به او حق حیثیت داد . به او شخصیت داد . و با او خرافات و بیابانیه را سرساخت و به این برادرش و دوستانش و دوستانش با بیان داد .

اصولاً این منتهای وحشیگری بود که پدر یا مادری ، نوزاد خود را پس از تولد زنده زنده به گور سپارد و زندگی او را به کام هر که . این بود که پیامبر اسلام با نهایت سراحت و بیابانی رسا پیام داد که در نزد خداوند آن کسی بیشتر گرامی و عزیز است که پر هیزن کثرت و با تقوا باشد (۲) . و بدین گونه بود که مبارزه با دختر کشی آغاز شد . مبارزه ای خستگی ناپذیر که پیامبر ما هر چند مدار آن بود . اندک اندک این سنت پوسیده که ناشی از خرافات فکری و اخلاقی بود از میان رفت . دیراستی پیغمبر اسلام منتظمی بر بر شوخ و بر زن و مخصوصاً بر زنان عربستان گذاشت . فقط زنی را از این مرگ رقت آور و فوجی نجات بخشید بلکه به او حق حیثیت اجتماعی و اخلاقی داد تا در اغلب حقوق با مرد مساوی گردد . دخترش را که چون چارپایان معامله و با حیوانات میادله می شد حق تمسک و خرید و فروش بخشید (۳) .

رستاخیز اسلام و پیامبر بزرگما برای رهایی زن از چنگ خرافات و تعسبات شدید مردم عربستان رستاخیزی مترقی بود . نظری که امروز در اروپا و ملل مترقی نسبت به دختران دارند و بین فرزندان پسر و دختر فرق نمی گذارند که پدری را که صاحب فرزند دختر است بدبخت و بیبنا نمی شانند در جهاده قرن پیش در عربستان جاهل اظهار اعمال شده است (۴) .

- (۱) حقوق زن در اسلام و اروپا - نوشته آقای حسن صدر - صفحه ۶۴
- (۲) انکار کمکر عبدالله اتفهک - (قرآن شریف)
- (۳) و (۴) حقوق زن در اسلام و اروپا - صفحه ۶۵

در دفاع از شر دشمنان

چه بسیار که دشمن من بهوای فئاد من مشعیر عداوت آخته و خنجر خونریز کشیده و زهر سم بیجام ریخته و تیر جانوسو به کمان نهاده و در کمین نشسته و دشمنان را برحم و بدبیشش را بسوی من دریده تا فرصتی بدست آورد و بر من بتازد و کارم بسازد .

در این هنگام مهر و مرحمت تو بمن افتاد . شرف بسیار نگرستی و بر عجز من در برابر قدرت و قوت دشمن ترسم نمودی و تنهایی و بی کسی و بیچارگی مرا مستحق نصرت خویش شناختی . دیده ای که من ناتوانم و حریمم تواناست . بی آنکه از تو کمک بخوام بهیاری من یکنون دشمنم از هزاران افزون است ، بهیاری من مبادرت فرمودی و پشت مرا با پشتیبانی خویش نیرومند ساختی و بدین ترتیب سولت دشمن را در هم شکستی و کشتش را به کاش افکندستی .

ای آنکس که دست حمایت و یاری تو همواره بسوی ستمزدگان دراز است و هر گز ستمکاران را شایسته یاری و حمایت نمیدانی .

ای پروردگار من ، این قوم که مشت مگره کرده اند دست بیداد از آستین بر آورده اند نعمت ترا کفران کرده اند و مغرورانه به تبار قدرت و سلطنت تو برخاسته اند .

خداوند ، بر محمد و آل محمد درود فرست و دشمن ستمکار را به روزگاری بنشان که دل دردمند مرا شفا ببخشد و غضب مرا فرو بنشیند .

پروردگارا ، آنچنانکه انظلم و ستم به کوشش یاد کردی مرا از ظلم و ستم برکنار دار و بدان ترتیب که ظلم و ستم را مغفور و مکروه شمرده ای مگذار دامن من به ظلم و ستم بیایلد و بنده تو از پیشکام تو با نفرت و کراهت رانده شود .

خدا من ، مرا از عدالت خویش نومیدم خواه و در این نومیدی جان مرا به تشویش بده . بر دشمن ستمکار در من ببخش و ویرا در این بخشش به ظلم و ستم در کمین مبادا هم چنان بر جانم دم توست ستم بتازد و بر کردار ناجانم خویش اسرار بفرارد .

آنچه را که ستمکاران وعده کرده ای بدو برسان تا دیگر گرد ستمکاری نکرد و آنچه را که ستمکاران وعده داده ای در حق من اجابت فرمای تا دل شکسته من بیاساید و خاطر من خوش شود .

چنان در بند تو و چنان بنده تو باشم . خدای من دعای مرا اجابت فرمای .

تقدیمی آقای قاسم تبریزی

آقای عبدالله نوائی ، وکالت از آقای اسفندیار اسفندیاری بشناخته ام ۱۷۴۶

از دادگاه بخش تهران درخواست گواهی انصهار وراثت نمودم و توضیح داده مرحومه شوکت الملوک بشناخته ام ۱۰۹۴۸ در تاریخ ۵/۷/۲۵ در تهران در گذشته وراث او منحصراً به مقتضای مادر متوفیه میباشد

پس در تاریخ ۵/۵/۵۴ شعبه دوم دادگاه بخش تهران ثبت و مرا تاسه منوید ما می یکمرتبه در روزنامه محلی و رسمی آقای که می شود تا چنانچه کسی اعتراض دارد یا وصیت نامه ای نزد کسی باشد طرف سماء از تاریخ نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد و نیز هر وصیت نامه ای جز رسمی و سری که از این موعد بعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است

رئیس شعبه دوم دادگاه بخش تهران سندهدی نموی شماره ۱۰۶۴۶ - م - الف ۳ - ۳

رونوشت آگهی حصر وراثت بانوفاطمه جعفری دارای شناسنامه شماره ۳۵ فرزند سید حسن از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نمود و در همین توضیح داده که مرحوم محمد زال در تاریخ ۵/۵/۵۱ در تهران اقدامگاه دایمی خود بدرد زندگی گفته و در آن مرحوم منحصراً به حصر وراثت است کشته مادر متوفی پرورنده در شعبه اول اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست منور را در سه نوبت بدرستی ماهی یکمرتبه آگهی می نماید تا هر کسی اعتراض دارد و یا وصیتنامه ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی طرف سماء بدادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیتنامه جز رسمی که بعد از این موعد بعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد بود

دادرس شعبه اول دادگاه بخش تهران قهرمانی شماره ۱۰۶۴۸ - م - الف ۳ - ۳

احتجاج امام هشتم (ع)

حضرت رضا (ع) آیا از این بر تو که اقتدر که در آنهمه می بینی بیشتر از اقتدر است که در پیش خود می بینی ؟ عمران - بله - امام (ع) - بسیار خوب امام نشان دهنده تا ماه به بهیتم از اضافه کجا است ؟ عمران خیر آن ماندن و سر بزیر انداخت و توانست جوابی بگوید - امام (ع) - تو جواب نکستی امامن آنچه حقیقت امر است برای تو میگویم - نوراً من چنین میبیم و جز این نیست که نور بی آنکه در تو در آینه پندارمیدم و در آینه امامی میکند تو را آئینه و آئینه را بتو و هر دو را بسوی خود صدور و آفرینش موجودات از حق مانند صدور عکس از عکس است و صدور آفرینش اثراتی است ، نه از آن که می شود و نه حلول میکند و نه مانند نطفه است و نه سگ چو می بلکه افزایه اشراقه است و از مباحث فلسفی است .

احتجاج با یوحنا مسیحی پس از عمران نوبت یوحنا مسیحی رسید شما چه میفرمائید درباره گروهی که بعد از خود زائل و ریک گواهی آوردند . حضرت رضا (ع) دعوی برای آن است - یوحنا - اگر گروهی دعوی کرده و گروهی از دیگران بیدانکنند ؟ حضرت رضا (ع) خبری برای آنها نیست - یوحنا - ما میگویم مسیح روح و کلمه خداست و مسلمانان نیز با ما با اقتد و مسلمانان گویند محمد (ص) فرستاده خداست ولی ما قبول نداریم پس موضوع اتقاقی بهتر

اخبار ایران

تتشکل و در خصوص جلوگیری از گران فرشی و تجاوز فرزند گانگانش بشیر پیداران و نحوه جلوگیری از آن تشکیل گردید و آقای نخست وزیر در جلسه افتتاحیه نطق مبسوط و مؤثری ایراد و معتقد گردیدند که لایحه مهمی نیز برای جلوگیری از گرانفرشی در دست تهیه است که بزودی بمجلس تسلیم میشود .

در نتیجه اقدامات شدید دولت و مراقبت شورای عالی اسناف برای جلوگیری از گرانفرشی بهبود واضحی در وضع معاشات کسبه با خریداران مشاهده می شود و بازرسان مخصوص در اطراف بازار جدید متغول تحقیق و تفقیض عملان را جدید کسبه هستند و هر یک از حدود معینه گرانتر فریفته دکان و محل کسب و تعویل و بدادگاه برای مجازات اعزام میشود .

تشکیل جلسه عمومی شورای حکام اتحادیه جهانی صلیب سرخ ها ، هلالهای احمر و شیر و خورشید سرخ ایران جلسه شورای حکام اتحادیه جهانی صلیب سرخ ها ، هلالهای احمر و شیر و خورشید سرخ ایران با شرکت نمایندگان ۱۲۱ کشور جهان در تالار کنفرانسهای مجلس شورای ملی گشایش یافت . در آغاز دیرکل کش و خورشید سرخ به کلبه نمایندگان کش که کشته از طرف دولت و سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی رسمی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراض دارد یا وصیتنامه ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی طرف سماء بدادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیتنامه جز رسمی که بعد از این موعد بعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است

رئیس شعبه دوم دادگاه بخش تهران قهرمانی شماره ۱۰۶۴۶ - م - الف ۳ - ۳

رئیس شعبه اول دادگاه بخش تهران قهرمانی شماره ۱۰۶۴۸ - م - الف ۳ - ۳

- (۱) حقوق زن در اسلام و اروپا - نوشته آقای حسن صدر - صفحه ۶۴
- (۲) انکار کمکر عبدالله اتفهک - (قرآن شریف)
- (۳) و (۴) حقوق زن در اسلام و اروپا - صفحه ۶۵

ندی حق

جای اداره خیابان خمام - جنب باچتر
سرای مصباح - روزنامه دراصلی مقالات
و درج و هم درج آن آزاد است
و مسترد نشود
قیمت اشتراک در داخله ۱۵۰
ریال - شش ماهه ۸۰ ریال
در خارج یسکاله یکدینارونیم
وجه اشتراک قبال دریافت میشود

دارنده و نگارنده
سید حسن دغانی

تلفن دفتر روزنامه ۲۷۳۰۰

این بود آیه کریمه و ترجمه آن - خوشا بحال کسانی که مشمول این آیه باشند و پندای پهلانی که شهور روز دینی گناه و معصیت و مخالفت با اوامر الهی و شرع انور اسلام هستند.

آیا نمی فهمیم و نمی دانیم و یادمانته و فهمیده بگناه ادا می دهیم؟! از صبح که سر از خواب بر می داریم در فکر حوی و هوس و در فرقا و معصیت و مخالفت حق غوطه وریم! عجب آدمی سرخست و کوردل که گناه است؛ گناه تا کی و ضیعت با خداوند تا چند؟! شاید بشود مردم فکرمی کنند که ما گناهانم و معصیت می کنیم و استماع ساز و آواز که گناه ندارد، و چشم چرانی و لطیفه گوئی بزبان و دوشیزگان که تفریح است! تماشای زنان بدکاره و صور قبیحه و اوار و رفتار ناشایسته آنها که شری بیائی نموند! یک دو سافر نوشیدن مشروب برای گناه کردن نیست، و بخواد از فکر و خيال آسوده شود و گویا بتقلید و مطابقت شریازی است که گفته (اگر قم لشکر انگیزد که خون عاشقان بریزد - من سواقی بهمیزایم و بنیادش براندازم) اینهم میخواد آجتانی از فکر و خيال آسوده شود و لذا نمی بخمره میزند و کلهای گرم میکند و بخيال خود معصیت نکند!

آید تکیه ای اوقات عزیز و عمر گرانمایه را به فماد صرف میکند، بخال خود سر گرمی برای خود فراهم ساخته، بدبخت هم پول میبازد و به وقت تلاشی را صرف میکند و هم بدبختی و سیه روزی خود و ما لگله اش را فراهم میسازد. اینان زیاد خدا غافل و بمعصیت و نافرمانی او مشغول و در فرجه جهنم موبدا گرفتار.

عند دیگری از ما مسلمانان مشمول این آیه شریفه هستیم که فرموده

(لایسئم الانسان من دعا لآخر و ان مسه الاثر ففوس قنوط و لئن اذقناه رحمة من ان بعد ضراء مسته ليقولن هذالی وما اظن الساعة قائمة و لئن رجعت الی ربی ان لی عندہ الحسنی فلننبین الذین کفروا بما عملوا و لنذیقنهم من عذاب غلیظ) میفرماید: انسان حرص و طلب و تعقب چیزهای خوب و خواستن آسایش از خدا آنی قفلت ندارد و خسته نشود و اگر بدی بر تو آید زود از حرکت مایوس و نومید میشود همینکه مرحت و لطف خود را بعد از خسارت و رنج باو می چشاید میگوید این پیش آمد خوب نتیجه لیاقت و ابتکار خود هست و از آن مغرور و می شود و میگوید گناه نمیکند قیامتی درین باند و بر فرض هم که قیامتی باشد آنچه تمام خوب گمانند و نزد خدا مقرب و محبوب و مورد بود - در آینه با آنها میفهمانم که نتیجه اعمالشان چیست و با آنان عذاب سخت می چشایم - بحقیقت ما از این گروه و این چنین مردمانی هستیم - به مجرد وقوع پیش آمدی ناگوار - ناله - سول - و با - جنگ - ناراحتی های بیگانه متوسل و متوجه حرق می شویم اما همینکه آن پیش آمد گذشت و ما سلامت جسمی خود را فراموش می کنیم و بازیافت سلامت خود را نتیجه هوش و زرنگی خود می شماریم! و زیاد او بیرون میبریم!

با توجه با آیات کریمه بالا آن زیاد خدا غافل نشود و در کارها اوجا حشر و ناظر بندهای او، از خود و دین و دستور قرآن و رسول و خوار می شود بیرون نبریم، اگر مسلمانان طبق کتاب و سنت و دستور پیشوایان دین شویم روزگاران خوش خواهیم داشت، دقت کنیم دچار خودخواهی و خودجوئی و خودپسندی نشویم که عاقبت وبال و فقر است. فراموش نکنید که فرموده (من بعمل مثقال ذرة خیرا یره - و من بعمل مثقال ذرة شررا یره) مثقال و ذره اعمال بندگان محاسبه و رسدگی میشود - بنام برخدا از اعمال و کردار ما.

دعوت از دولت مندان

تعمیل المقالار ندارند - د تفری دادر برای تو هر داندن لوازم زندگی بخواد خلاصه - تقرب شری است آبرو مند است، این قبول افراد را نباید و کت کند - خداوند میفرماید: (والله فضل بعثکم علی بعض فی الرزق فما ما ملکت ایمانهم فهم فیه سواء القیمة الله یجحدون) فرموده خداوند به بعضی از شما دادنی بهتری نسبت بدیگران داده تا بخشش و گذشت شما را آرزایش کند اما غروتمندان معناری از دارائی خود را بر رستند و مستندان نمیدهند تا مساوی گردند، نعمت خدا نزد شما اما مت و وسیله بدل و بخشش است چرا نعمت خدا را آشکار نمیکنند!! راستی خیلی عجب است که بعضی از معولین و غروتمندان با ساطح مانند (طهار) می مانند یعنی من ستم نمیدهم و دستناری اتفاق و دستگیری دراز میشود، اینها بیرون زیاد میکنند و میروند و آنوقت مالها برات آنها ملوونها بر آورد میشود و نعمت عظمی

پیروزی با خدا پرستان

پیروزیها تو حیدمته او همدلی و همزیستی در مسائل امانی و شوق زندگی بود تا دانستند زمین برای قوم معین و زور و تسلط قدرت نیست بلکه برای آدمی و آسایش مردم افراد انسانها (آیه ۲۲ سوره دوم).

الذی جعل لکم الارض فراشا
والسما بناء و انزل من السماء
ماء فاخرج به من الثمرات رزقا
لکم - آن خدائی که برای شما زمین را گسترده و آسمانها را برافراشت و فر بارید از آسمان آبی که بسبب آن بیرون آورد میوه های گوناگون برای شما و در آیه ۲۸ فرماید: او خدائی است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرده و در آیه ۳۳ از سوره ۱۴ و سخر لکم الشمس والنار و بطور کلی آیات بنیاد حکایت قدرت و نعمات الهی برای کافه آدمیان است بدون تفاوت نژاد و رنگ و متعلق است به قوم مردم و آنانکه قدر و ارزش مواهب ربانی را بداند و در مقام بهره برداری بر آید و اگر در مقام شرافت و آمارگیری نعمت های خداوندی بر آید چون از عمد بیرون است احصا نتواند کرد.

چون خالق و مبداء و بخشنده همه نعمتها آفرید گاریک ناست و عطایا و برای همه بندگان خاص قوم و ملت نژاد واحد نیست تشریک سماعی بر وفق قوانین الهی لازم است و همه میدانند آنکه که از طریق راستی و دانش دوستی به تهیه ضروریات و دفع آفات و رفع مشکلات پرداختند، خداوند همه آنها را یاری نمود و از دشواریها رهایی داد و آنانکه راه دیگری دیدش گرفتند و احکام خدا را فراموش نمودند و اغراض و هوسها و خودپرستیها بر دماغشان چیره شد بسوی باطل گرایش یافتند و ستمکاری را پیشه خود کردند گمراه شدند و در کار خود و رفیع فساد درماندند آنگاه نابود شدند و دودمان آنان منقرض گردید ققطع دابر القوم الذین ظلموا - ریشه و بن وجود و هستی آنان بریده شد.

غرض از گفتن این بحث بیان این نکته است که زمانه عملی پیشبند در کوتاهترین زمان از پشت دیوار چین تا ساحل اقیانوس اطلس با سرعتی چنان درخشان حوزة امت اسلام گسترش پیدا کند و انسانیت و خدا پرستی و وحدت دوستی و همزبانی و همفکری در دنیای اقوام مختلفه تبلیغ و در دین مستوره ای توفیق حاصل نماید و چه عاملی بود جز آمدن که این پیشرفت شایان تحسین را که اگر با همتا خلوص نیت و اعلاایه آسمانی در جهان بشریت تعلیم میشد اوقات گرانمایه دنیای انسانی بصر جاهلیت بازگشت نمیکرد و از زخمهای قلبی پاکلان و مصلحان واقعی که طالب زندگانی فرشتگان و خواهان محبت و یکرنگی و یکدلی میباشند مراحل تکمیلی خود را طی مینمود.

پس متظلم را از این جا شروع میکنند - خلایق بنی آدمیه و بنی عباس سلطه سیاسی و خود مختاری را بر قوانین و موازین شریعت برتری دادند و پایبند نفاق داخلی که تاریخ جدا گانه ای دارد در عمل مانع پیشرفت سپاه اسلام شدند در حالی که این قوم نژادی نبودند که توانست در کمتر از یک قرن مالک معوره جهان شود بلکه این پیروزیها بواسطه پیوستگی ملل در تجدید جهان بود. از امتعاب و مصائب دوران جاهلیت که موجد امت

از آقای حاج سید محمد حسین انوار

هدایت بقرآن

(بقیه از سوره یس)

بسم الله الرحمن الرحیم

۶۹- و امتازوا الیوم یاها المجرمون ۶۰- الیه اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین ۶۱- و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم ۶۲- و لقد اضل منکم جمیلا کثیرا افلم تکنوا تعقلون ۶۳- هذجه جهنم الی کنتم توعدون ۶۴- اصولها الیوم بما کنتم تکفرون ۶۵- الیوم نختم علی افواههم و تکلمنا بیدیههم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون ۶۶- و لو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستقیموا الصراط فانی یبصرون ۶۷- و لو نشاء لطمسنا علی مکانتهم فما استطاعوا مضیا و لا یرجعون.

«لا یسه الا المطهرون» (کلام خدا را نایند دست)
«بجز مردم پاکیزه زبان پرست»

۵۹- در آن روز کردید به امر خدا بکوبند آنروز از مجرمین از این مردم نیک باشد دور نصیب شما حسرت و آوخ است شما چون نرفتی از راه دین ۶۰- بسته دیدیم از روز الست عبادت نه در خود باطن بود ۶۱- خدا را پرستید و فرمان بود که این است رسم و ره راستی رهی راست راه بهشتی بود ۶۲- گروهانی انبوه را از شما عبادت نه در خود باطن بود ۶۳- همین است آن آن شان گسل خطاب آید از کردگار مجید ۶۴- به آتش در آید امروز خوار ۶۵- نگویید زبان هر گدرد دهان خود در زخم خود باطن سخن ۶۶- ندانند این کفران کی خدا شود چشم کور و شود گوش کی ۶۷- سر انجام گردند اولی و منسج چون دردت از دانش و از ادب نکو در نایند آثار رب

جالبترین نوارهای مذهبی

بیشترت صنعت این امکان را با داده است که در هر لحظه و در هر جا بتوانیم از عالیترین سخنرانیها و اشعار مذهبی و تلاوت آیات کلام الله مجید که توسط بهترین قاریان قرآن در جهان اسلام تهیه شده استفاده کنیم - شامی توانید با مختصری صرف وقت و مراجعه به مؤسسه آهنگ آسمانی هر یک از این نوارهای جالب آماده را تهیه فرمائید و ساعتها از آن لذت منموی و روحانی ببرید.

مدیر مؤسسه آهنگ آسمانی توسلی
طهران مقابل میدان ارک سراسری دکلنگ تلفن ۲۰۰۴۱

مخالفان اخلاق و سنتها و ایمان از همه جانب قزونی می یابد و حریت عمل پیدا میکند. شاید توفیق الهی مدد دهد که بتوانیم خود به برخی از دیوار مغرب زمین نوماد عیوب آفتدها که برخی میبلان فساد از جهات عینده و برای بهره برداری اقتصادی از بهترین راهها دارند بزرگو چشمگیری نیست. روزهای یکشنبه تعطیل عمومی و معابد و کلیسا روزنی نیز ندارد و در تلویزیون لندن در روزهای یکشنبه نمایشهایی از مناجات میان الحاد و ایمان بیانی می آید و بدیهی است اگرخواست مردم نبود وضع تبلیغات آنجا طور دیگر بود. سوگند یاد میکنم اگر حقایق دین مبین اسلام را با توجه به آیات بنیاد قرآن با منطق و فرهنگ عقلی تبلیغ شود بدون چون و چرا مردمی که دیده